

حسنعلی نخودکی اصفهانی «طبيب عارفان» (متوفای ۱۳۶۱ هـ.ق.)

نعمت الله فروغی

گلشن ابرار جلد ششم

## ولادت

عارف کامل، سالک زاهد صاحب کرامت، حاج شیخ حسنعلی فرزند علی اکبر فرزند رجبعلی مقدادی اصفهانی - رحمة الله علیه - در سال ۱۲۷۹ در نیمه ماه ذی القعدة، در خانواده ای متدین، زاهد و متقی و دوستدار اهل علم، چشم به جهان گشود.

این ولادت میمون و خجسته، مرحوم ملاعلی اکبر را که از دوستان مرحوم محمد صادق درویش تخت پولادی و از عارفان صاحب نفس بود، بی اندازه خوشحال و مسرور کرد زیرا آن مرد خدا مدت ها آرزوی داشتن پسری را داشت و با خود عهد کرده بود که به زیارت معصومین (علیهم السلام) مشرف و در آن جا متوسل شود تا خداوند به او پسری عنایت کند. این سفر انجام شد و ملاعلی اکبر به آرزوی خود رسید.

پدر نام فرزند را به توصیه و سفارش مرادش، حاجی صادق حسنعلی برگزید.

## پدر، الگوی زهد و پارسایی

حسنعلی در خانواده ای متقی و زاهد پرورش یافت. پدر وی، مرحوم ملاعلی اکبر، مردی متقی و پرهیزگار و معاشر و دوستدار اهل علم و ملازم مردان حق و عارفان بزرگی چون حاج محمدصادق تخت پولادی بود. او بر اثر مشاهده کراماتی از حاج محمدصادق در مورد همسرش و افزایش شیر در سینه او، تا آخر عمرش از ارادتمندان ویژه مرحوم حاجی محمدصادق گردید و مدت ۲۲ سال در خدمت او بود و شب های دوشنبه و جمعه نزد او می رفت و در تخت پولاد با او به عبادت و ریاضت می پرداخت.

این پدر ارزنده، نیمی از آنچه، از راه کسب و کار به دست می آورد، در اختیار حاج محمد صادق می گذاشت و به همراه او به فقرا و مستمندان کمک می رساند.

از دیگر افتخارات ملاعلی اکبر - پدر مرحوم شیخ حسنعلی - که بعدها آن فرزند خلف و صالح با عشق و علاقه آن را دنبال کرد، خدمت به سادات و فرزندان حضرت زهرا (علیها السلام) بود. مرحوم ملاعلی اکبر، در تربیت و پرورش فرزندش، نهایت دقت و تلاش را به عمل آورد.

وی فرزند دلبندش را از همان کودکی در هر سحرگاه که خود برای عبادت و شب زنده داری برمی خاست، بیدار می کرد تا او لذت مناجات، نماز، دعا و راز و نیاز را از همان سال های کودکی بچشد و ذکر و یاد خدا، شیرۀ جانش شود.

این پدر شایسته، فرزندش را از هفت سالگی نزد حاج محمدصادق تخت پولادی که دارای نفسی گرم بود، برد و تربیت و تهذیب وی را به او واگذار کرد. مرحوم حاج شیخ حسنعلی تا یازده سالگی که استادش وفات یافت، در خدمت او بود.

فرزند مرحوم شیخ حسنعلی در این باره می نویسد:

«پدرم از همان کودکی زیر نظر حاجی به نماز و روزه و انجام مستحبات و نوافل شب و عبادت پرداخت و تا یازده سالگی که فوت آن مرد بزرگ اتفاق افتاد، پیوسته مورد لطف و مرحمت خاص مرشد و استاد خود بود... [۱]».

### آغاز تحصیلات

شیخ حسنعلی، تحصیل علم و دانش را همراه با سیر و سلوک معنوی و تهذیب اخلاق، از همان اوان کودکی، تحت نظارت پدر و مرحوم حاج محمد صادق تخت پولادی شروع کرد. وی در زادگاهش، اصفهان، مقدمات و ادبیات عرب را فرا گرفت. فقه، اصول، منطق و فلسفه را در همان شهر نزد استادان بزرگ آن عصر آموخت و در سال ۱۳۰۴ ق. پس از زیارت مرقد امام رضا(علیه السلام) برای ادامه تحصیلات، رهسپار نجف اشرف شد. تحصیلات عالی فقه، اصول و عرفان را در آن شهر نزد سرآمدترین استادان گذراند و در سال ۱۳۱۱ ق. دوباره از نجف اشرف راهی ایران شد و در مشهد مقدس، در مدرسه «حاج حسین» و «فاضل خان» اقامت گزید او در ضمن در حجره ای در صحن عتیق، به ریاضت و عبادت مشغول شد و بیش از یکسال، هرشب ختمی از قرآن مجید در حرم رضوی داشته است و روزها به کسب علم و تدریس و تربیت شاگردان مشغول بود.

اقامت وی در شهر مشهد، چهار سال به طول انجامید و در سال ۱۳۱۵ ق. دوباره به اصفهان بازگشت و از آن جا راهی نجف اشرف شد و تا سال ۱۳۱۸ ق. در آن جا ماند. در سال ۱۳۱۹ ق. به اصفهان و سپس به شیراز سفر کرد و در آن جا عصرها به فراگیری کتاب قانون ابوعلی سینا نزد طبیب مشهور عصر، حاج میرزا جعفر طبیب پرداخت و صبح ها نیز در مطب آن طبیب بزرگ به مداوای مریضان و نسخه نویسی مشغول بود. [۲]

## جامعیت علمی

شیخ حسنعلی اصفهانی بر این باور بود که بعد از علم توحید و ولایت و احکام شریعت که تحصیل آن واجب است، باید به تحصیل دانش های دیگر پرداخت چون جهل، در هر دانشی ناپسند است و مراد از حرمت برخی از علوم و فنون، به کار گرفتن آنهاست و نه آموزش آنها. وی فقه، تفسیر، هیئت و ریاضیات را به طلبه ها می آموخت ولی فلسفه و علوم الهی را به این شرط درس می داد که ابتدا طلبه با اخبار معصومین (علیهم السلام) آشنا باشد و در تزکیه نفس بکوشد چون به نظر وی، برخی از مشکلات حکمت و فلسفه، با مکاشفه میسر است و اگر برخی شرایط مکاشفه در طالب علم نباشد، تحصیل آن بر وی نارواست و ممکن است او، را از جاده شریعت منحرف کند. وی درباره فراگیری علم اصول گفت: «قسمتی از این علم واجب و بسیاری از آن اتلاف عمر است».[۳]

## استادان

شیخ حسنعلی اصفهانی، به دلیل فکر باز و اعتقادی که درباره لزوم یادگیری علوم مختلف داشت، جامع علوم منقول و معقول بود و شاید وی یکی از فرزنانگانی است که از استادان بسیاری بهره برده است. فرزندش علی مقدادی در این باره می نویسد:

«از حضرت ایشان چنین دیدم:

نیست علمی که مرا نیست در آن استقصا \*\*\* ای بسا گنج که خوابیده به ویرانه ماست.

ایشان از جمیع علوم ظاهری و باطنی بهره ی فراوان داشتند و...».[۴]

مرحوم شیخ حسنعلی اصفهانی به دلیل تلاش بی وقفه و مسافرت های زیاد، از سه حوزه مشهور و مهم زمان خود - حوزه اصفهان، نجف و خراسان - استفاده کرد و به همین دلیل، از خرمن وجود استادان بزرگ، خوشه ها برچید که ما به دلیل کثرت، تنها نام آنها را برمی شماریم.

۱. مرحوم حاجی محمدصادق تخت پولادی خاتون آبادی.

۲. آخوند ملا محمد کاشی.

۳. جهانگیر خان قشقایی.

۴. حاجی سید سینا، پدر مرحوم سید جعفر کشفی (که نزد او تفسیر خوانده است).

۵. حاج سید مرتضی کشمیری.

۶. حاجی سید محمد طباطبایی فشارکی.

- وی از شاگردان بارز و برجسته میرزای شیرازی به شمار می آمد و حاج میرزا حسین نائینی و حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و بسیاری دیگر از عالمان بزرگ از شاگردان او بودند.
۷. ملا اسماعیل قره باغی.
  ۸. حاجی محمد علی فاضل.
  ۹. آقا میرسید علی حائری یزدی.
  ۱۰. حاجی آقا حسین قمی، از شاگردان مشهور میرزا جواد آقا ملکی تبریزی.
  ۱۱. آقا سید عبدالرحمن مدرّس، مؤلف کتاب علمای خراسان.
  ۱۲. آقا سید جعفر حسینی قزوینی، دومین استاد سیر و سلوک او که در شهرضا از توابع اصفهان با او آشنا شده بود.
  ۱۳. مرحوم حاج میرزا جعفر طبیب.

### تدریس

با این که شیخ حسنعلی اصفهانی را از عالمان بزرگ زمان خود دانسته اند، بسیاری از علوم را نزد فقها و عرفای بزرگ تحصیل کرد. و اما به دلیل توجه زیاد مردم و بیماران به او، می توان گفت او خود را وقف خدمت به مردم و مداوای بیمارانشان کرده است. یکی از شاگردان او آیت الله مروارید - می گوید:

«هر روز در جلوی منزل او و حتی در محل تدریس او...، بیماران صف می کشیدند و از او دعا می خواستند و آن بزرگ، همیشه با روی خوش با آنها برخورد می کرد و گاه برای پیدا کردن نوعی از گیاهان دارویی، به کوهها و نواحی اطراف مشهد مقدّس می رفت و کمتر در شهر بود و همین عامل و عوامل دیگر، سبب می شد که نتواند به نحو دلخواه به تدریس علوم بپردازد ولی با این حال، تا آنجا که فرصت داشته، به تدریس و پرورش شاگردانی پرداخته است اما به دلیل شهرت او در استجابت دعا و مداوای بیماران، از شاگردان و کرسی تدریس او اطلاعات کمی در اختیار می باشد[۵].»

از جمله این اطلاعات، سخنی است که در کتاب «المسلسلات فی الاجازات» آمده است. نویسنده محترم این کتاب بعد از نقل تلاش و کوشش او در عبادت ها و در ریاضت ها می نویسد:

«با وجود این جهد و تلاش در عبادت و مواظبت بر مستحبات، تدریس را قطع نکرد بلکه ایشان شرح لمعه را در فقه تدریس می کرد و تفسیر و احیاناً هیئت و حساب و غیر این علوم ریاضی را هم تدریس می کرد.»[۶]

علی مقدادی می نویسد:

«مرحوم پدرم، فقه و تفسیر و هیئت و ریاضیات را به طلاب علوم تدریس می فرمود. وی در فلسفه و علوم الهی با آنکه متبحر کامل بودند، تدریس نداشتند و می فرمودند: طلاب این علم باید که اخبار معصومین - علیهم السلام - را کاملاً مطالعه کرده باشد و علم طب را نیز بداند و در حین تحصیل، باید به ریاضت و تزکیه نفس بپردازد».[۷]

## آثار

۱. ترجمه و تصحیح کتاب صلاة فیض کاشانی.

شواهد نشان می دهد که جناب شیخ حسنعلی به مرحوم فیض و آثار او توجه خاصی داشته است زیرا در جای دیگری هم که درباره علوم سخن می گوید، از قول ملا محسن فیض نقل می کند که علم اصول سه بخش است اصول، فضول و غیر معقول و دیگر این که وی در مشرب عرفانی خود، اهمیت زیادی برای نماز و درک معانی آن و شرایط آن قائل است و خودش مباحث با ارزشی در این باره دارد و به همین دلیل، این کتاب مرحوم فیض را ترجمه کرده است.

۲. تعلیقاتی بر تذکرة المتّقین شیخ محمد بهاری همدانی. زمانی که مرحوم شیخ حسنعلی در سال ۱۳۳۱ ق. در کوه پایه خارج از شهر مشهد مقدس بوده است، این تعلیقات را نوشته است. این تعلیقات در کتاب نشان از بی نشانها و نیز در کتاب تذکرة المتّقین که توسط انتشارات نهانوندی چاپ شده است، آمده است.

۳. رسائلی در توحید، خداشناسی، امامت، معرفت نفس، عقل، عشق، عرفان مقامات عارفین، شرایط سلوک، صفات بندگان خدا، نماز، قرآن و ده ها موضوع دیگر که در کتاب نشان از بی نشانها ذکر شده اند.

## سیر و سلوک عرفانی

شیخ حسنعلی اصفهانی، سیر انفسی و تهذیب روح و روان را از همان کودکی و به همت پدر خویش آغاز کرد، پدرش، ملا علی اکبر، حسنعلی را از همان کودکی در هر سحرگاه بیدار و او را به نماز، دعا، راز و نیاز و یاد خدا آشنا می کرد. وی تا یازده سالگی در خدمت حاجی محمدصادق تخت پولادی بود و از او دستور می گرفت. آن مرد خدا، او را به نماز، روزه و انجام مستحبات و نوافل شب آشنا نمود. حسنعلی به پیروی از استادش در تخت پولاد و کوه های اطراف اصفهان به ریاضت پرداخت.

او بیشتر شب‌ها تا صبح بیدار می‌ماند و از پانزده سالگی تا پایان عمر پیربرکتش، هرساله ماه رجب و شعبان و رمضان و ایام البیض هر ماه را روزه دار بود.

وی در شهرضا با عارفی دلسوخته، به نام «سید جعفر حسینی قزوینی» ملاقات کرد و با دیدن کرامات معنوی آن مرد خدا، شیفته او گردید. در این ملاقات، آن عارف بزرگ از باطن او خبر داد و گفت: نه روز است که چیزی نخورده ای جز با آب روزه نگشوده ای ولی در ریاضت هنوز ناقصی زیرا که اثر گرسنگی در رخسارت هویدا و ظاهر گشته و آن را شکسته و فرسوده کرده است در حالی که مرد کامل از چهل روز گرسنگی نیز چهره اش شکسته نمی‌شود.

سومین شخصی که در تکوین شخصیت عرفانی شیخ حسنعلی تأثیر داشته است، مرحوم حاجی سید مرتضی کشمیری [۸] بوده است که حسنعلی در شهر نجف اشرف در مدرسه بخارائی‌ها با او آشنا شد و بعد از آن تحت تعلیمات و دستورات او قرار گرفت. سال‌ها بعد که حسنعلی، در مشهد و در کنار آستان قدس رضوی سکونت گزید و به حل مشکلات مردم و شفای بیماران مشغول شد، نیز استادش سید مرتضی کشمیری را فراموش نکرد و بسیاری از طالبان، نیازمندان و گرفتاران را به سوی آن مرحوم و فرزندانش راهنمایی می‌کرد.

### مشرّب عرفانی

شیخ حسنعلی اصفهانی از عارفانی است که شیوه او همان روش امامان معصوم (علیهم السلام) بوده است.

وجود او سرشار از عشق به ولایت بود و هیچ‌گاه از مسیر آنها جدا نشد. او بیشتر عمر خویش را در نجف اشرف و بعد، از آن در کنار حرم شریف رضوی گذراند و تا آخرین لحظات عمر خود، ذکر علی بر لب داشت چنانکه در هنگام مرگ، زبانش به نام مقدّس مولی گویا بود. وی شرط ورود به مباحث عرفانی و مکاشفات را آشنایی با اخبار ائمه (علیهم السلام) می‌دانست و سیر در این مسیر را بدون این مقدّمه ضروری، غیر ممکن می‌دانست. آیت الله سید شهاب الدّین مرعشی نجفی در این باره می‌نویسد:

«توسّمت حياة شيخنا المترجم له بالزهد والعزوب عن الدنيا والمواظبة التامة على تهذيب النفس و الرياضات المشروعة و انواع من العبادات و الطاعات الواردة في أحاديث أهل البيت (عليهم السلام). كان يحيى ليالى الجمعة بالنوافل و القيام منذ السنة السابعة.» [۹]

زندگی شیخ صاحب ترجمه ما شناخته می شود به زهد و کناره گیری از دنیا و مواظبت و مراقبه تام بر تهذیب نفس و ریاضت های مشروع و انواع عبادات و طاعت هایی که در احادیث اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده است. او شب های جمعه از هفت سالگی تا هنگام وفاتش به انجام نوافل و نماز، احیا برپا می کرد».

شیخ حسنعلی درباره راه و روش عرفانی خود در جواب نامه یکی از سادات دزفول می نویسد: «عرض می شود به تمام احباء اظهار فرمایید که طریقه ی فلانی غیر از طریقی است که شنیده اید، همه بدانید که طریقه ی حقیر، طریقی است که تمام مطالب شرع را نهایت اهتمام است خلاف باقی طرق که به مطالب شرعی خلی بی اعتنا هستند. در طریقه ی حقیر، خصوصاً نماز خیلی مورد توجّه است که هرچه زحمت و توجّه است، به نماز معطوف دارید. و اعلموا رحمکم الله انّ مدار الامور یدور علی ثلثة اشیاء: التّسهر و اکل الحلال و التّوجّه فی الصّلاة و حضور القلب فیه بدانید که مدار و معیار امر و طریقه ی ما بر سه چیز است شب زنده داری، لقمه ی حلال و توجّه به نماز، بویژه نماز اوّل وقت و حضور قلب در آن [۱۰]». او در جای دیگری می فرماید:

«روح طریقه ی حقیر، توجّه به نماز و معانی و نکات آن درجه به درجه است یعنی اشخاصی که مایل به طریقه ی حقیر هستند، اوّل باید معانی صوری نماز را بفهمند بعد تأویلاتی که [در مباحث قبل] عرض شد و بعد نکاتی دیگر، به همان نحو که مولانا الصادق (علیه السلام) در کلمه ایّاک نعبد کرّها حتّی غشی علیه یعنی آن قدر تکرار فرمودند که حال بیهوشی به آن حضرت دست داد نه این که بی اعتنایی به احکام شرع باشد و تمام توجّه به اذکار معطوف گردد. حقیقت را باید از شریعت تحصیل نمود. حقیر طالب این مقام و سالک این راه بوده و بستگان این حقیر را نیز اعلام کنید که حقیقت را که ما در طلب آنیم، باید از شریعت تحصیل کنیم به همان نحو که ائمه (علیهم السلام) رفتار نمودند [۱۱]».

## کرامات

یکی از دلایل عمده مشهور شدن حاج شیخ حسنعلی اصفهانی، کرامات بی شمار وی بوده است که خاص و عام به طور مستقیم شاهد آن بوده اند.

آیت الله مرعشی نجفی در کتاب «المسلسلات فی الإجازات» در این باره می نویسد: «او در بین مردم به مستجاب الدّعوة بودن شناخته شده بود و بسیاری از حاجت مندان و بیماران به او پناه می بردند پس او برای آنها دعا می کرد یا برای آنها دعاها و حرزهایی می نوشت و به این

وسیله، گرفتاری آنها برطرف می شد و بیماران آنها شفا می یافتند و با این وجود، در کمال تواضع و فروتنی بود و هیچ ادعایی نداشت و نمونه بارز زاهدانی بود که تنها به خدا توجه دارند و از امور دنیوی دور هستند [۱۲].»

میرزا عبدالرحمن مدرّس، از اساتید مرحوم شیخ حسنعلی، درباره او چنین می نویسد:

«حاج شیخ حسنعلی بن علی اکبر، از اعلام بزرگوار و پاکان روزگار، نفس گرم جذّابش هر مریضی را شفا و هر درد را دوا بود. در شهرهای خراسان، بلکه سایر از شهرهای ایران شهرتی بسزا داشت و گرفتاران و دردمندان از وضع و شریف به آستانه او متوجّه و فیضی می بردند و هنوز هم در محافل و مجالس وصف دستورات و انجیرهای دعا خوانده او که شافی دردها بود و خانواده ما هم از آن نعمت مرزوق بودند، زبانزد خاص و عام است. مردم از همه طرف برای اخذ حوائج بدان مقام پناهنده می شدند و بسی از دردها که دکتران حاذق از بهبود آن عاجز بودند، با نفس گرم خود شفا می داد [۱۳].»

کرامات آن عارف بزرگ، هم از حیث کمّیت و هم از حیث کیفیت، قابل توجه است و این عنایات، شامل بزرگان، علما، استادان و شاگردان حاکمان، و صاحب منصبان و عموم مردم، به ویژه سادات بوده است.

## ویژگیهای اخلاقی

### ۱. خدمت به مردم

در نظر مردان الهی و عالمان ربّانی و به ویژه شیخ حسنعلی اصفهانی، خدمت به مردم و برآوردن حاجات آنان و تواضع و فروتنی در برابر آنان، از عالی ترین مصادیق عبادت خدا به شمار می رود. هیچ گاه در خانه شیخ حسنعلی به روی بیماران، گرفتاران و مستمندان بسته نمی ماند و از این که مردم وقت و بی وقت برای حل مشکلات خود به منزل شیخ مراجعه می کردند، چهره درهم نمی کشید و حتی غیر مسلمانان از الطاف او برخوردار بودند و برای برآورده شدن حوائج خود به او متوسل می شدند.

چنانچه کسی اندک آشنایی با سیره و روش آن مرد الهی داشته باشد و با حکایات و کرامات آن سالک خدا آشنا باشد، برایش آشکار و هویدا است که مهم ترین دغدغه او حل گرفتاری های مردم بوده است.

فرزند وی در این باره می نویسد:

«مرحوم پدرم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی - اعلی الله مقامه - در کلیه ساعات روز و شب، برای رفع حوائج حاجتمندان و درماندگان، آماده بودند.

روزی عرضه داشتم: خوب است برای مراجعه مردم، وقتی مقرر بشود. فرمود: پسر! لیس عند ربنا صباح و لامساء آن کس که برای رضای خدا، به خلق خدمت می کند، نباید که وقتی معین کند.

پدرم در ابتدای شب ها پس از انجام فریضه، به نگارش پاسخ نامه ها و انجام خواسته های مراجعان مشغول و سپس مدّتی به مطالعه می پرداختند. از نیمه های شب تا طلوع آفتاب به نماز و ذکر و نوافل و تعقیبات سرگرم بودند. پس از طلوع خورشید، اندکی استراحت می فرمودند و بعد از آن تا ظهر به ملاقات و گفتگو با مراجعان و تهیّه و ساخت دارو برای بیماران می نشستند و بالاخره عصرها برای تدریس به مدرسه می رفتند و پس از آن نیز به پاسخ گوئی و رفع نیازمندی محتاجان و گرفتاران مشغول بودند [۱۴].»

در جای دیگر می نویسد:

«به بیماری دچار شدم که همه طبیبان از معالجه ام عاجز بودند و از حیاتم قطع امید شد. پدرم که عجز طبیبان بدید، اندکی از تربت طاهر حضرت سیّدالشهدا - ارواح العالمین له الفداء - به کامم ریخت و خود از کنار بستر دور شد. در آن حالت بیهوشی، دیدم که به سوی آسمانها می روم و کسی که نوری سپید از او می تافت، بدرقه ام می کرد چون مسافتی اوج گرفتم، ناگهان، دیگری از سوی بالا فرود آمد و به آن نورانی سپید که همراه من می آمد، گفت: دستور است که روح این شخص را به کالبدش بازگردانی زیرا که به تربت حضرت سیّدالشهدا (علیه السلام) استشفّا کرده اند. در آن هنگام، دریافتم که مرده ام و این روح من است که به جانب آسمان در حرکت است و به هر حال، همراه آن دو شخص نورانی به زمین برگشتم و از بیخودی به خود آمدم و با شگفتی دیدم که در من اثری از بیماری نیست لیکن همه اطرافیانم به شدّت منقلب و پریشانند.

پس از چند روز، هنگامی که در خدمت پدرم به شهری رفتیم، واقعه را حضورشان عرض کردم فرمودند: «مقدّر بود که یکی از ما دو نفر از جهان برویم و اگر تو می رفتی، من پانزده سال دیگر عمر می کردم و چون مقصد و مطلوب من از حیات در این دنیا جز خدمت به خلق خدا نیست، ترجیح دادم که خود رخت ببرندم و تو که جوانی و به خواست خداوند، مدّتی درازتر در جهان خواهی زیست، زنده بمانی. اینک بدان که من مرگ را برای خود و حیات را برای تو خواستم تا آن که در طول زندگی، پیوسته با قصد قربت، به مردم خدمت کنی و هرگاه در اینکار مسامحه و غفلت ورزی، سال آخر عمرت خواهد بود.» [۱۵]

او همیشه به دوستان و نزدیکان توصیه می کرد که خدمتگزار مردم باشند و برای حل گرفتاری به فقرا صدقه بدهند یا چیزی نذر کنند از جمله در جواب نامه آنان که از او توصیه ای می خواهند، با بیان حکایت هایی از زندگی حضرت عیسی (علیه السلام) و روایتی از وصایای مولی علی (علیه السلام) به فرزندش امام حسن (علیه السلام) آنها، را به خدمت مردم سفارش می نماید. [۱۶]

### خدمت به سادات

شیخ حسنعلی و پدر گرامی اش، خود را وقف خدمت به اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه وآله) و فرزندان آنان کرده بودند، به طوری که از حکایات زندگی آن عالم ربّانی فهمیده می شود، او نسبت به خدمت به سادات، اهتمام ویژه ای داشته است به طوری که در آخرین روز عمر خویش، در وصیّت خود چنین فرمود:

«بدان که انجام امور مکروه، موجب تنزّل مقام بنده خدا می شود و به عکس اتیان، مستحبات، مرتبه او را ترقّی می بخشد. بدان که در راه حقّ و سلوک این طریق، اگر به جایی رسیده ام، به برکت بیداری شبها و مراقبت در امور مستحب و ترک مکروهات بوده است ولی اصل و روح این اعمال، خدمت به ذراری ارجمند رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) است.»

سپس فرزندش را به ادای نمازهای یومیّه در اوّل وقت و تلاش در انجام حوایج مردم سفارش کرده، می گوید:

«سوم آن که سادات را بسیار گرامی و محترم شماری و هرچه داری، در راه ایشان صرف و خرج کنی و از فقر و درویشی در این کار پروا منمایی.» [۱۷]

### زهد و ساده زیستی

یکی از جلوه های بارز شخصیت عالم فرزانه شیخ حسنعلی، زهد و بی اعتنایی نسبت به دنیا و مظاهر دنیوی بوده است. وی از مناصب دنیوی دوری می کرد و پیوسته به یاران و دوستان سفارش می کرد که از این مناصب پرهیز کنند و از دست دادن آن را مهمّ ندانند.

هجرت او به شهرهای مختلف - به ویژه در دوران جوانی - حکایت از آن دارد که او از تعلّقات دنیوی آزاد بوده است. او پیوسته از دنیا طلبان و شیفتگان دنیا و از آن دسته عالمانی که دین را وسیله کسب افتخارات دنیوی قرار می دادند و از مردمی که برای رسیدن به مقاصد خود در اطراف چنین کسانی جمع می شدند، گله و شکایت داشته، طریقه و مشرب خود را از آنها جدا می دانست.

او عامل عمده سعادت و خوشبختی انسان را تقوی می دانست و می فرمود: «بالتَّقْوَىٰ بَلَّغْنَا مَا بَلَّغْنَا». اگر در این راه، تقوی نباشد، ریاضت ها و مجاهدت ها جز خسران، ثمری ندارند و نتیجه ای جز دوری از درگاه حق تعالی نخواهند داشت. اگر آدمی یک اربعین به ریاضت بپردازد، امّا یک نماز صبح از او قضا شود، نتیجه آن اربعین هباءً منثورا خواهد گردید. [۱۸]

وی در جواب یکی از دوستان و ارادتمندان می نویسد: «... مادام که چشم بر این متاع بی قدر و این دنیای پست، دوخته داری، بدان که معامله تو با زیان همراه و اساس معنویّت همعنان تباهی است، و روی تو در قیامت عبوس خواهد بود و گمان مبر که زیرکانه عمل می کنی پس از این خانه هلاکت، پهلوی تهی کن و روی به سوی خانه آخرت نما تا روی تو خرم گردد و دیده ات به سوی پروردگار ناظر و روشن شود» [۱۹].

### تواضع و فروتنی

مرحوم شیخ حسنعلی اصفهانی پیوسته خود را فقیر درگاه حقّ می دانست و می فرمود: ما هر چه داریم از عنایت و فیض حقّ و اولیای اوست. او در بحث عُجب می فرمود: «لوازم وجود از ذره تا به خروار و از قطره تا به قنطار، همه عکس وجود حقّ است و خلق بیچاره، معدوم صرف و هر عزّت و حرمتی که بنده در پیشگاه باری تعالی و یا در میان مخلوق، حاصل کند، از اثر نعمت اوست» [۲۰]

وی در جواب نامه یکی از محترمین رفسنجان می نویسد: «اگر کسی طالب باشد، خداوند به مضمون وعده خود» لنهدیتم سبلنا راه را به او می نماید. اگر در هر ورطه ای بیفتد، چون طالب راه خدا است، آن طلب او را به منزل می رساند [۲۱]. بعد از ملاقات و مراوده خود با چند تن از عارفان بزرگ سخن می گوید و به دنبال آن می فرماید: «گاهی بعضی اظهار طلب می کنند می گویم والله من خود را قابل این منصب نمی بینم الا اینکه چون فقها عنوان می دارند که اگر کسی در بلدی بود که مجتهد نداشت و دست او به مجتهد نمی رسید، امّا یک نفر که بتواند «جامع عبّاسی» شیخ بهائی یا «حدیقه مجلسی» را درس بگوید و توضیح دهد، تکلیف مردم آن است که تا وقتی که به مجتهدی برسند، مسایل را از او اخذ کنند، حقیر به این عنوان گاهی دوستان را که طالب راه، خدا می بینم و مشاهده می کنم که دست آنها به کسی نمی رسد، مطالبی را که از بزرگان شنیده ام، به آنها می گویم والا خداوند می داند که ابداً خود را قابل ارشاد و هدایت نمی دانم...» [۲۲]

## دستورالعمل های اخلاقی - عرفانی

شیخ حسنعلی اصفهانی، با این که در کمال تواضع و فروتنی، پیوسته از دادن دستورالعمل به صورت مستقیم پرهیز می کرد، ولی به گفته خودش، گاهی از جهت وظیفه و نبود دیگران، آن هم برای نزدیکانی چون فرزندش و یا سادات - به علت احترامی که برای آنها قائل بود - خواسته آنان را اجابت می کرد و توصیه ای می فرمود که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

در جواب نامه های یکی از سادات دزفول می نویسد:

«مکرر به شما عرض شد که این عرایض بنده از من نیست بلکه از شخص بزرگی است که به نیت او می گویم:

۱. پیامبری در مناجات عرض کرد: رَبِّ أَيْنَ الطَّرِيقِ الِیکَ یعنی پروردگارا! ره به سوی تو کدام است؟ خطاب رسید: دَعِ نَفْسَکَ وَتَعَالَ یعنی نفس خویش را رها کن و بیا.

۲. از اوایل تکلیف که مأمور به صوم ایّام البیض و قرائت آیه «قُلْ اِنَّمَا» شدم و در این سه روز سه هزار مرتبه بر این قلب قاسی آیه «فَمَنْ كَانَ یَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْیَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا» قرائت می شد، تاکنون هوای ملاقات از سر حقیر بیرون نرفته، باید ترک دنیاداری نمود لعل الله یحدث بعد ذلک امرًا.

۳. تا آنجا که می توانید در امر نماز اوّل وقت و حضور قلب در نماز و تلاوت چند آیه از قرآن با تدبّر در معانی آن در سحرها مداومت نمایید.

۴. عمده نظر در دو مطلب است یکی غذای حلال، دوم توجّه به نماز و اصلاح آن. اگر این دو درست باشد، باقی درست است.

۵. عمده هم حقیر، اصلاح قلب است و ذکر یا حیّ یا قیوم سحرگاه، برای همین است.

۶. بین الطلوعین را به چهار قسمت تقسیم کنید یکی اذکار و تسبیح، دیگری ادعیه، سوم قرائت قرآن و بالاخره فکری در اعمال روز گذشته. اگر موفق به طاعتی بوده اید، شکر کنید و اگر خدای ناکرده ابتلا به معصیتی یافته اید، استغفار کنید.

۷. دیگر آنکه هر روز صدقه دهید ولو به وجه مختصر.

۸. شب ها قدری در بی اعتباری دنیا و انقلاب آن فکر کنید و ملاحظه کنید که دنیا با اهل دنیا چگونه سلوک می کند.

۹. امر بفرمایید به تدبّر و تفکّر در آیات آخر سوره مبارکه فرقان که با این آیه شروع می شود «وَعِبَادَ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» ببینید که خداوند اشخاص را که به خود نسبت داده است، صفاتشان را چگونه بیان می کند.

۱۰. هر قدر بتوانید، خود را به آداب مؤدب نمایید.
۱۱. به هر نحوی که باشد، وصیت خدا و پیامبر (صلی الله علیه وآله) و ائمه (علیهم السلام) و مشایخ کرام را که تقوی باشد، از دست ندهید.
۱۲. همانطور که مسایل طهارت و شکیات و سهویات و قرائت باید پیش اهلش درست شود، عقاید نیز به طریق اولی چنین است». [۲۳]

## وفات

شیخ حسنعلی اصفهانی نخودکی، پس از عمری خدمت به مردم و کسب مراحل عالی کمال، سرانجام در هفدهم شعبان سال ۱۳۶۱ ق. جهان فانی را وداع گفت و به دیار باقی شتافت. جمعیت زیادی از مردم ایران در شهرهای مختلف و شهر مقدس مشهد، در مرگ او به سوگ نشستند. او از جمله مردان بزرگی بود که مقام مرگ اختیاری را کسب کرده بود و دو ماه قبل از رحلتش، اطرافیان و فرزندش را از روز مرگش آگاه کرد و حتی یک بار قبل از تاریخ فوت، روح بلندش از بدن خارج شد اما با توسل به امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام)، برای انجام برخی وصایا، دوباره حیات ظاهری یافت. او در روزهای آخر عمر، جز سادات، کسی دیگری را بر بالین خود راه نمی داد.

پیکر مطهرش روی دست هزاران نفر از ارادتمندان سوگوارش تا ده سمرقند تشییع شد و در آن جا بر حسب وصیتش در آب روان غسل داده شد و سپس همراه با برپایی و راه اندازی دسته های بزرگ سینه زن تا حرم شهر رضوی تشییع گردید و در صحن عتیق، کنار ایوان عباسی به خاک سپرده شد. یکی از نکات آموزنده و زیبای روزهای پایان حیات وی این بود که حتی در زمان کسالت، همه شب تا بامداد بیدار می ماند و گاهی شب با خود این دو بیت را زمزمه می کرد:

زمانه بر سر جنگ است، یا علی مددی \*\*\* کمک ز غیر تو ننگ است، یا علی مددی

گشاد کار دو عالم، به یک اشاره توسست \*\*\* به کارها چه درنگ است، یا علی مددی

او یک عمر عشق علی (علیه السلام) در سر داشت و سرانجام با ذکر یا علی مددی، جان به جان آفرین تسلیم کرد.

## پانوشت

- [۱]. نشان از بی نشانها، ج ۱، علی مقدادی اصفهانی، ص ۱۶ این کتاب، مهمترین منبع نگارش مقاله است، بدین وسیله از تلاش نویسنده محترم سپاسگذاری می شود.
- [۲]. همان، ص ۲۳ - ۳۰.
- [۳]. مجله حوزه، سال اوّل، شماره ۱۱ نشان از بی نشانها، ج ۱ ص ۱۱.
- [۴]. نشان از بینشانها، ج ۱ ص ۱۹.
- [۵]. به نقل از حجة الاسلام والمسلمین محمدعلی رحیمیان فردوسی.
- [۶]. المسلسلات فی الاجازات، آیت الله مرعشی نجفی ص ۳۰۷.
- [۷]. نشان از بی نشاها، ج ۱ ص ۱۹.
- [۸]. نشان از بینشانها، ج ۱، ص ۱۸.
- [۹]. المسلسلات فی الاجازات، ج ۲ ص ۳۰۸.
- [۱۰]. نشان از بینشانها ج ۱ ص ۱۲۶.
- [۱۱]. همان، ص ۱۲۹.
- [۱۲]. المسلسلات فی الاجازات، ج ۲، ص ۳۰۷.
- [۱۳]. تاریخ علمای خراسان، میرزا عبدالرحمن مدرّس، ص ۲۵۲.
- [۱۴]. نشان از بی نشانها، ج ۱، ص ۲۳ - ۲۴.
- [۱۵]. همان، ص ۲۷.
- [۱۶]. همان ص، ۱۰۶.
- [۱۷]. همان، ص ۳۱.
- [۱۸]. نشان از بی نشانها، ج ۱، ص ۳۱.
- [۱۹]. همان، ص ۱۱۰.
- [۲۰]. همان، ص ۴۰۶.
- [۲۱]. همان، ص ۱۲۰.
- [۲۲]. همان.
- [۲۳]. همان، ص ۱۲۹ - ۱۳۴.